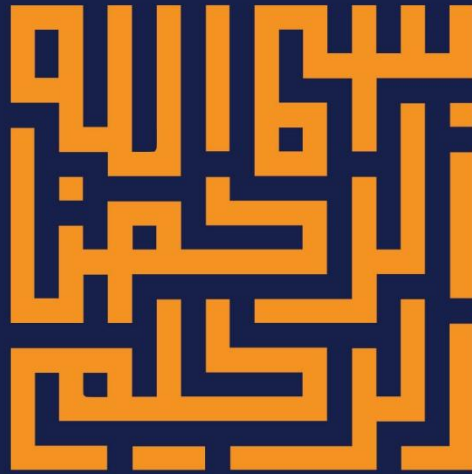




عنوان جلسه:

تحلیل راهبردی سیاست همسایگی ایران؛ تقابل
کلان طرح‌های مقاومت و استکبار در غرب آسیا



مَتمد

(مرکز توسعه دانش مسئله محوری)

www.Mtod.ir



طرح کلی جلسه: در این جلسه تخصصی، سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران و تقابل طرح‌های کلان راهبردی در منطقه غرب آسیا با رویکردی انتقادی و واقع‌بینانه بررسی می‌شود. مباحث این جلسه بر واکاوی ماهیت دولت‌های منطقه تمرکز دارد و صف‌بندی‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی را در قالب تقابل دو محور اصلی تشریح می‌کند: **کلان طرح توسعه آمریکایی و اسلام اعتدالی** (با نقش‌آفرینی دولت‌های حاشیه خلیج فارس) و **کلان طرح مقاومت اسلامی** (با راهبری گفتمان انقلاب اسلامی). در این جلسه ضمن بازخوانی سیر تاریخی تحولات از طرح خاورمیانه جدید اوباما تا رویدادهای پس از جنگ‌های دوازده‌روزه و رمضان، به آسیب‌شناسی رویکردهای صرفاً دیپلماتیک و خوش‌بینی به مذاکره با محور غرب پرداخته می‌شود. همچنین با ارزیابی دقیق عملکرد گروه‌ها و هسته‌های مقاومت در عراق، یمن، لبنان و سوریه، بر لزوم تغییر پارادایم در سیاست خارجی تأکید می‌گردد. محوریت پایانی این جلسه، **ضرورت عبور از انفعال دیپلماتیک، تثبیت دستاوردهای میدانی، و بهره‌گیری هوشمندانه از مزیت‌های ژئوپلیتیک و شریان‌های اقتصاد دریایی** برای تأمین هژمونی و منافع پایدار منطقه‌ای است.

مقدمه

تحلیل سیاست همسایگی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر واکاوی ماهیت دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های جنوبی خلیج فارس، با نظر به وقایع پس از جنگ دوازده‌روزه و جنگ رمضان، در این گفتار دنبال می‌شود و سیر تحولات این سیاست و ماهیت دولت‌های منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

صف‌بندی کشورهای غرب آسیا

اگر بلوک‌بندی کشورهای غرب آسیا را به‌طور روشن‌تر تبیین کنیم، برخی از دولت‌های منطقه در بلوک آمریکا دسته‌بندی می‌شوند و برخی دیگر دولت‌های وابسته به آمریکا محسوب می‌شوند که تفاوتی اندک با دولت‌های دسته اول دارند. همچنین دولت‌هایی را شاهد هستیم که نقش اقتصادی چین در آنها پررنگ‌تر است. در سوی دیگر، دولت‌ها و گروه‌های مقاومتی قرار دارند که در کلان استراتژی راهبردی و طرح سیاسی خود، از طرح سیاسی ایران حمایت می‌کنند و به نوعی در امتداد سیاست انقلاب اسلامی تعریف می‌شوند.

بنابراین، سه طرح اصلی در منطقه قابل شناسایی است:

- ۱- طرح آمریکا،
- ۲- طرح سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دستگاه رهبری انقلاب اسلامی و
- ۳- طرح دولت‌های منطقه

که در ادامه به تفصیل به آنها پرداخته خواهد شد.

سه لایه تحلیل دولت‌ها و طرح‌ها

بررسی این دولت‌ها و طرح‌ها باید در سه لایه صورت پذیرد: لایه سیاسی-امنیتی، لایه اقتصادی و لایه فرهنگی-اجتماعی. بر این اساس، تحلیل جنگ دوازده‌روزه و رویدادهای پس از آن تا جنگ رمضان، ابتدا از سخنرانی باراک اوباما در سال ۲۰۰۹ در



دو بار کلیک کنید و عنوان را تایپ کنید

دانشگاه قاهره تحت عنوان «آغازی نوین» آغاز می‌شود و طرح آمریکا به‌طور خلاصه تبیین می‌گردد. سپس به طرح و گفتمان کلان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دستگاه رهبری در سال‌های اخیر پرداخته می‌شود و پس از آن، دولت ایران تشریح می‌گردد. پس از تبیین این دو بلوک، یعنی هسته بلوک مقاومت (ایران) و هسته بلوک پیروان آمریکا (آمریکا)، در مرحله بعد به پیروان هر یک از این دو طرح پرداخته می‌شود. در اینجا لازم به توضیح است که دولت‌های ایران لزوماً در طرح کلان سپاه پاسداران و دستگاه رهبری ارزیابی نمی‌شوند و شاخص‌های آنها نسبت به دوری یا نزدیکی به هر یک از آن دو طرح بیان می‌گردد.

طرح آمریکا؛ از سخنرانی قاهره تا برجام

سخنرانی باراک اوباما در دانشگاه قاهره در سال ۲۰۰۹، در هفت حوزه اصلی صورت پذیرفت که عبارت بودند از: نزاع افراط‌گرایی خشن، نزاع اسرائیل و فلسطین، تسلیحات هسته‌ای (با اشاره به ایران)، دموکراسی، آزادی دین، حقوق زنان و توسعه اقتصادی.

در این سخنرانی، اوباما از «آغازی نوین» در روابط آمریکا و جهان اسلام بر اساس احترام سخن گفت که ادبیات رایج دموکرات‌های آمریکاست. وی به جنگ‌ها و درگیری‌های دینی و تأثیر آن بر پرتنش‌تر شدن روابط دو طرف و نیز حوادث ۱۱ سپتامبر اشاره کرد و بر لزوم چاره‌جویی برای نزاع اسرائیل و فلسطین و ابراز نگرانی از ایران تأکید نمود. طرح آمریکا در آن مقطع، طرح مذاکره و برجام بود.

گزارش‌های اندیشکده‌های آمریکایی از جمله شورای روابط خارجی و مؤسسه کارنگی تحت عنوان «اقتصاد سیاسی ایران و توافق هسته‌ای»، اهداف برجام را چنین برشمردند که مذاکرات هسته‌ای می‌تواند به تقویت طبقه متوسط شهری و جناح‌های خواهان تعامل بیشتر با غرب کمک کند. در گزارش دیگری نیز به تقویت طبقه متوسط شهری و افراد معتدل و میانه‌رو اشاره شده است. بنابراین، هدف اجتماعی آمریکا در برجام، تقویت جریان‌های معتدل بود و هدف اقتصادی آن، معطل نگه‌داشتن وضعیت اقتصادی ایران (که در دهه ۹۰ توسط رهبر شهید بیان شد) و هدف امنیتی آن، اشراف اطلاعاتی بر برنامه هسته‌ای ایران بود.

اسلام اعتدالی و سیاست تعدیل ساختاری

آنچه آمریکایی‌ها تحت عنوان اسلام اعتدالی در مواجهه با عربستان سعودی پس از ۱۱ سپتامبر پیش گرفتند، با الگویی متفاوت و به‌روز شده از سال ۱۳۹۲ و با روی کار آمدن دولت یازدهم در ایران پیگیری شد که نقطه عطف آن، برجام بود. سیاست آمریکا در پسا دوران دموکرات‌ها، در پارگی برجام، ترور شهید حاج قاسم سلیمانی، اغتشاشات آبان ۹۸، اغتشاشات ۱۴۰۱، طوفان الاقصی و اغتشاشات دی‌ماه ۱۴۰۴ تداوم یافت که همگی ذیل کلان طرح سیاست‌های تعدیل ساختاری دسته‌بندی می‌شوند.

طرح گفتمان انقلاب اسلامی؛ از صدور انقلاب تا هسته‌های مقاومت

طرح کلی حضرت امام و رهبر شهید برای منطقه، بحث صدور گفتمان انقلاب اسلامی بود. این صدور گفتمان مراحل داشت که حضرت امام در مصاحبه با خبرنگار خارجی بیان فرمودند: ابتدا تمرکز بر ایران، سپس کشورهای منطقه و پس از آن آزادگان جهان که تحت عنوان «حزب مستضعفین» از آنها یاد می‌شود. این جریان توسط نهضت‌های آزادی‌بخش دنبال می‌شد که بخشی از آنها دستاوردهایی داشتند و بخشی دیگر، متأسفانه به دلیل اشتباهات آقای مهدی هاشمی (که اعدام شد) و گروه‌های پیرو او، این سیاست دستاویزی برای دولت‌های طرفدار سیاست‌های تعدیل ساختاری قرار گرفت و بحث نهضت‌های آزادی‌بخش به کنار رفت. رویکرد ایران در منطقه، به سمت حرکت ساختاری و سیاسی برای تعدیل نیروهای انقلابی تغییر یافت. از جمله پرونده‌های بسیار مهم در این زمینه، چگونگی به محاق رفتن حزب‌الله حجاز است.



عربستان سعودی و اسلام اعتدالی

پس از تبیین طرح ایران، باید به کشور عربستان سعودی و به تبع آن امارات پرداخته شود. یکی از سناتورهای آمریکایی اخیراً اعلام کرده بود که «بن سلمان بهترین مهره برای اسلام اعتدالی در عربستان سعودی است». اصلاحات بن سلمان و سند ۲۰۳۰ و چشم‌انداز آن، نیاز به بررسی مجدد ندارد. نوع نگاه او به وهابیت، خواهان صدور گفتمان وهابیت و کنترل آن در داخل عربستان است که از دل آن، کنترل خاندان آل سعود و هم‌پیمانی مستقیم‌تر با آمریکا در قالب شرکت‌های اقتصادی، حوزه‌های فناوری‌های نوین یا تعریف کارویژه با شرکت‌های رژیم صهیونیستی دنبال می‌شود.

طرح کلان عربستان، تحت عنوان **اعتدالی کردن یا اسلام اعتدالی** قابل شناسایی است که می‌توان شاخه‌هایی برای آن برشمرد از جمله اسلام ترکی و اسلام عربی که دو محور عربستانی و اماراتی دارد و در کل، همان اسلام آمریکایی است که پیش‌تر با عنوان سیاست‌های تعدیل ساختاری توسط دولت‌ها پیگیری می‌شد.

سیاست تعدیل ساختاری؛ رویکردی علمی

سیاست تعدیل ساختاری باید با رویکردی علمی مورد بررسی قرار گیرد و ارزیابی‌های علمی از جمله ارزیابی‌های سیاسی در این زمینه ضروری است. این فرایند هم در داخل عربستان و هم در داخل ایران اتفاق افتاده است. نیروهای پیش‌برنده اهداف انقلابی، از جمله کمیته‌های انقلاب اسلامی و نهضت‌های آزادی‌بخش در خارج، باید تعطیل شوند تا شرایط برای نیروهای ساختاری که آن نوع توسعه را مد نظر دارند (با ادبیات اقتصادی مفصل خود شامل آزادسازی قیمت‌ها، بحث یارانه‌ها و سایر خواسته‌ها) پیگیری شود و در بعد خارجی، ارتباط مؤثر با دولت‌های هم‌پیمان آمریکا برقرار گردد.

طرح مقاومت؛ سپاه پاسداران و دستگاه رهبری

طرح ایران در دو بخش قابل تقسیم است: **طرح سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دستگاه رهبری**؛ که منظور از دستگاه رهبری، سازمان‌های غیردولتی، حکومتی و حاکمیتی است که تحت امر ولایت فقیه و نهاد ولایت فقیه فعالیت می‌کنند. به‌ویژه پس از حملات داعش و سربرآوردن دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و ظهور بیشتر نیروهای سپاه قدس تحت فرماندهی شهید حاج قاسم سلیمانی، حرکت به سمت تشکیل **هسته‌های مقاومت** در کشور عراق با عنوان حشدالشعبی، گروه النجباء و گروه‌های دیگر پیش رفت. پیش‌تر و هم‌زمان با این تحولات، گروه انصارالله در یمن که یک گروه برآمده از نیروهای بومی است، شکل گرفت و ایران نقش حامی گفتمانی و سیاسی آن را بر عهده داشت. حزب‌الله لبنان نیز به لحاظ تاریخی، مسیری از همراهی استراتژیک را پیموده و به نوعی مهم‌ترین امتداد گفتمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

دسته‌بندی گروه‌های مقاومت

دسته‌بندی گروه‌های مقاومت به این ترتیب قابل ارائه است:

- ۱- حزب‌الله لبنان،
- ۲- گروه‌های مقاومت عراق،
- ۳- گروه‌های مقاومت یمن که باید از آنها به عنوان دولت نجات ملی و گروه‌های ارتش مردمی تحت عنوان انصارالله یاد کرد،



۴- هسته‌های مقاومت در عراق (که در برخی موارد نوع رابطه ایران با آنها نافذتر از رابطه با یمن است) و

۵- گروه‌های مقاومت در فلسطین.

آسیب‌شناسی طرح مقاومت؛ سقوط سوریه و چالش‌های عراق و یمن

مهم‌ترین رویداد در این میان، سقوط دولت بشار اسد است. گفتمانی که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه گروه‌های همسو با سیاست انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران و فرامین ولایت فقیه شکل گرفت، سیر تحولی را پشت سر گذاشت و دستاوردهای بسیار چشم‌گیری داشت؛ اما آسیب‌شناسی نیز در این زمینه ضروری است.

از جمله دستاوردها، حضور مؤثر در عراق و یمن است. اما آسیب‌شناسی طرح مقاومت نشان می‌دهد که این گفتمان، گفتمان اقتصادی روشنی نداشته و همواره دوگانگی دولت و این گروه‌ها در ایران و کشورهای منطقه وجود داشته است. ایران نتوانست طرح اقتصادی روشنی برای دولت سوریه پیشنهاد کند و به دلایل مختلف از جمله عدم همکاری و حمایت دولت‌هایی که در کلان روایت مقاومت دسته‌بندی نمی‌شدند و نیز عوامل فنی نظیر عدم تجربه لازم در گروه‌های انقلابی ایران برای فعالیت‌های اقتصادی، دولت سوریه به سمت کشورهای عربی چرخش کرد و در نهایت سقوط نمود.

ارزیابی واقع‌بینانه از گروه‌های مقاومت

ارزیابی از گروه‌های مقاومت باید واقع‌بینانه باشد. در جنگ رمضان، انتظار کنش‌های فعالانه‌تری از برخی گروه‌ها می‌رفت. دولت عراق عنصری مهم است و باید پذیرفت که ایران نتوانست بازیگران بومی از جمله بازیگران مرجعیت سنتی را که در بحث ولایت فقیه و انقلاب اسلامی با ایران هم‌پیمان بودند (از جمله حضرت آیت‌الله سید محمدتقی مدرسی)، به دلیل علل مختلف تاریخی همراه کند. بنابراین، نیروسازی سیاسی ایران در عراق دچار چالش‌هایی است و همچنان نیروهای عراقی و حتی برخی از نیروهای سیاسی همراه با مقاومت، رابطه صحیح را رابطه‌ای متوازن بین ایران و آمریکا تعریف می‌کنند؛ یعنی هم با ایران و هم با آمریکا تعامل داشته باشند. اما نیروهای همراه‌تر با سیاست مقاومت، از جمله نیروهای نظامی، در جنگ رمضان فعالیت‌های قابل توجهی داشتند.

در سوی دیگر، دولت یمن به دلیل کارشکنی‌های متعدد عربستان سعودی در پرونده‌های مختلف اقتصادی و محاصره دریایی، بندری و هوایی، از حدود سه سال پیش با وساطت و میزبانی مسقط (دولت عمان) وارد مذاکره شده است. مذاکره، عملاً دست این نیروهای مقاومت را برای فعالیت‌های پیشدستانه و حمایت از ایران می‌بندد.

آسیب‌شناسی مذاکرات یمن و عربستان

در اینجا باید آسیب‌شناسی کرد که آیا ایران می‌توانست با اهرم‌های موجود (از جمله فشار بر عربستان، مذاکرات دیپلماتیک با سلطنت عمان و سایر ابزارها)، امتیازات بالاتری برای یمن در مذاکرات با عربستان کسب کند یا خیر. به نظر می‌رسد مذاکراتی که صورت گرفت و یک سال پس از آن، توافق پکن، عملاً دست نیروهای یمن را برای بستن تنگه باب‌المندب بست. البته نباید فراموش کرد که گفتمان انصارالله، گفتمان شیعه زیدی است و مناسبات آن در چارچوب مناسبات عربی دسته‌بندی می‌شود. همچنین، دولت یمن دولتی است که در آرمان فلسطین اهل هزینه‌دادن است و در بخش مقاومت بسیار فعال است.



اما سؤال مهم این است که آیا یمن می‌تواند در پرونده ایران که عنصری عربی نیست و ایران نیز وارد فضای مذاکراتی با عربستان شده و خود یمن نیز به دلایلی وارد مذاکره با عربستان شده است، نقش‌آفرینی کند و در کمک به ایران از جهت بستن تنگه باب‌المندب وارد عمل شود؟ یمن از چالش‌های ساختاری و نزاع دو دولت (دولت تحت امر عربستان و دولت تحت امر انصارالله) رنج می‌برد و باید این نکته را مد نظر داشت که یمن یک دولت مستقل است و ایران باید خواسته‌های خود را شفاف‌تر از طریق دیپلماتیک و از راه‌های دیگر پیگیری کند. این تصور که هر دولت یا گروهی تحت امر ایران هستند و باید برای ایران بجنگند، صحیح نیست، مگر اینکه در راه عقیده و منافع مشترک بتوان گام برداشت.

تحلیل دولت‌های ایران و میزان نزدیکی به طرح‌های کلان

در تحلیل دولت‌های ایران، باید طرح کلان آمریکا را لحاظ کرد و میزان دوری و نزدیکی این دولت‌ها به طرح کلان آمریکا و از آن سو، میزان دوری و نزدیکی آنها به کلان طرح گفتمان ولایت فقیه و نهادهای ولایت فقیه (که منظور از نهادها، سازمان‌های تحت امر نیست، بلکه گروه‌های اجتماعی و سیاسی هستند که در این ۴۷ سال پرورش یافته‌اند) و طرح سپاه پاسداران را ارزیابی کرد. همه طرح‌ها قابل آسیب‌شناسی هستند و هیچ طرحی به‌صورت مطلق در نظر گرفته نمی‌شود.

فروپاشی اطلاعاتی و سه اغتشاش کلیدی

پس از جنگ دوازده‌روزه، مشخص شد که اطلاعات امنیتی ایران فاش شده است و تیم آمریکایی و صهیونیستی تسلط خوبی به این اطلاعات پیدا کرده‌اند که با شهادت شهید فخری‌زاده، این موضوع بیشتر نمایان شد. پس از تحریم‌های سال ۱۳۹۰ و تمرکز ایران از سال ۱۳۹۲ به بعد بر حل و فصل پرونده هسته‌ای در چارچوبی بسیار اشتباه (چراکه پرونده هسته‌ای هیچ ربطی به اروپا و آمریکا نداشت)، دولت‌های منطقه از سال‌ها پیش وارد این پرونده شدند. سیاست‌های تحریم به‌مرور پیشرفت کرد و اوج خود را در سه اغتشاش بسیار مهم نشان داد که دو اغتشاش اقتصادی بود و یک اغتشاش فرهنگی. این اغتشاشات، زمینه تضعیف دولت‌ها را فراهم کردند: اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ (اقتصادی)، اعتراضات آبان ۹۸ (اقتصادی) و اغتشاشات ۱۴۰۱ (رسانه‌ای و فرهنگی). نقش دولت‌های منطقه در این اغتشاشات قابل بررسی است؛ به‌عنوان مثال، در سال ۱۴۰۱، عربستان سعودی یکی از کشورهایی بود که در تأمین مالی این اغتشاشات نقش مهمی داشت و هم از طرح‌های مالی آنها حمایت کرد و هم تلویزیون اینترنشنال عربستان سعودی که با همکاری موساد فعالیت می‌کند، نقش پررنگی ایفا کرد و خواهد داشت.

ماه‌عسل روابط ایران و عربستان؛ واقعیت یا توهم

تعبیر «ماه‌عسل روابط ایران و عربستان سعودی» پس از روی کار آمدن ملک‌سلیمان (از سال ۱۳۹۴ تا قبل از شهادت شیخ نمر و شکل‌گیری داعش) مطرح بود، اما این تعبیر باید با واقع‌بینی بیشتری مورد ارزیابی قرار گیرد.

نگاه دولت فعلی به سیاست خارجی و آسیب‌های آن

دولت فعلی جمهوری اسلامی ایران، همان نگاهی را در بحث سیاست خارجی دنبال می‌کند که دولت یازدهم و دوازدهم دنبال می‌کردند؛ اینکه ایران می‌تواند با آمریکا به تعامل و توازن در نسبت با سایر قدرت‌ها برسد و باید تلاش کند که اسرائیل مذاکرات ایران با آمریکا را به هم نزند و آمریکا در تله اسرائیل گرفتار نشود (گویا اسرائیل کل استکبار جهانی را مدیریت می‌کند و آمریکا دولت کوچک و دست‌نشانده اسرائیل است). این تصور، به‌وضوح خسارت‌های متعددی برای ایران داشته و خواهد داشت. از جمله، عدم پاسخ درخور و به‌هنگام به شهادت اسماعیل هنیه در تهران و شهادت سیدحسن نصرالله که به اذعان مسئولان دولتی، فریب



دو بار کلیک کنید و عنوان را تایپ کنید

آمریکا در این زمینه خورده شد، گواه این مسئله است. دولت ایران خواستار **وفاق** بین نیروهای سیاسی است و این وفاق را از مسیری دنبال می‌کند که ممکن است آسیب‌های فراوانی داشته باشد. **سیاست همسایگی** نباید با **سیاست فریب همسایگی** خلط شود و **توسعه اقتصادی و اجتماعی** نباید با **توسعه آمریکایی** خلط گردد. اینها مسائلی هستند که باید به آنها توجه ویژه داشت.

توافق پکن؛ دستاوردی مبهم برای ایران

پس از جنگ دوازده‌روزه (و حتی پیش از آن)، خوش‌بینی ایران به دولت‌های منطقه بسیار زیاد بود و هشدارهایی پس از جنگ دوازده‌روزه به آنها داده شد. اما هنگامی که روابط درست تنظیم نشده باشد، ممکن است چالش‌ها و مشکلات بسیاری تجربه شود و بعدها نتوان بحران را به نفع خود هدایت کرد. توافقی که ایران با عربستان سعودی داشت (توافق پکن)، عملاً عربستان را وارد یک حاشیه امن کرد و دستاورد ایران از این توافق روشن نبود. اکنون که دولت‌های عربی، تأمین مالی و امکانات لجستیکی خود را برای حمله به ایران در اختیار آمریکا قرار داده‌اند، ایران باید در این رویه تجدید نظر کند.

انتخاب پاکستان به عنوان میانجی؛ یک خطای استراتژیک

مذاکرات اسلام‌آباد یک خطای استراتژیک بود و انتخاب پاکستان به عنوان میانجی نیز یک خطای راهبردی محسوب می‌شود. پاکستان به دلیل وابستگی و جغرافیای بسته خود، عملاً نمی‌تواند بازیگری آزاد باشد و به ارتش آمریکا وابسته است. همان‌طور که مشاهده شد، تنبیهات موقتی ایران در چند روز گذشته علیه امارات، با محکومیت پاکستان مواجه شد.

بازتعریف روابط و ضرورت تثبیت دستاوردها

گروهی در داخل، همه دستاوردها را از طریق مذاکره پیگیری می‌کنند، در حالی که هیچ چیزی توسط مذاکره تغییر نمی‌کند و ممکن است دستاوردهای جنگی نیز از دست برود. ایران باید هژمونی خود را از داخل در منطقه تحکیم بخشد. وقتی طرف‌های منطقه به حرف و استدلال توجه ندارند، باید از **منطق‌های جغرافیایی و مزیت‌های فشار جغرافیایی** سیاسی استفاده کرد و در جایی که امکان همکاری وجود دارد، همکاری کرد. هیچ نیازی به تکرار مسیر اشتباه مذاکره با آمریکا در قالب‌های مختلف وجود ندارد؛ شبکه منتفعین در ایران نمی‌خواهد مذاکره با آمریکا به هم بخورد، در حالی که مذاکره با آمریکا هیچ منفعتی برای ایران نداشته و نتوانسته تهدیدات را رفع کند. البته جنگ نمی‌تواند ادامه‌دار باشد، اگرچه جنگ‌های متناوب ممکن است ادامه یابند، اما در دوره‌هایی جنگ وجود نخواهد داشت و بدیل جنگ، تثبیت دستاوردهاست.

معادله عربستان با آمریکا؛ بقا در برابر تسلیحات و حمایت منطقه‌ای

در بررسی روابط ایران و کشورهای عربی، باید به معادله عربستان با آمریکا توجه کرد: **بقا در برابر تسلیحات و حمایت منطقه‌ای**.

فلسطین، یک ابزار افزایش قدرت برای عربستان محسوب می‌شود و مؤلفه کلیدی برای عربستان سعودی نیست. در سال ۱۹۷۰، آمریکا و عربستان توافقاتی کردند که سعودی متعهد شد برای حفظ منافع آمریکا و اروپا، قیمت نفت را پایین نگه دارد و در ازای آن، آمریکا طرح صلح خود را در خاورمیانه اجرا کند. رکن سوم این معادله، توسعه نظامی و اقتصادی عربستان است که توسط آمریکا تأمین می‌شود. ایران با چنین دولتی سر و کار دارد.



امارات متحده عربی؛ پیشتاز در تقابل با ایران

دولت امارات متحده عربی نیز در جنگ، حتی از عربستان پیشتازی می‌کند. دلیل آن، بحث‌های اقتصادی و وابستگی ایران به امارات و فراتر از آن، نوع نگاه توسعه‌محوری است که ایران دنبال کرده است. ایران همیشه به دبی به عنوان یک توسعه نگاه کرده است؛ به گونه‌ای که در برخی از دولت‌ها، شخص دوم امارات (آقای مهدی التاجر) دعوت شد تا در ایران آلومینیوم تأسیس کند. این نوع نگاه باید کنار گذاشته شود که افرادی از خاندان‌های نزدیک به ترامپ (از جمله خاندان‌های شیعه نظیر خاندان ساجوانی در امارات) بتوانند با رانت‌های بانکی، نفتی و پتروشیمی، در پیوند با توسعه‌خواهان منطقه، بر سر یک میز قرار گیرند. الگوی فکری این افراد، الگوی انگلیسی-آمریکایی است: تأسیس یک بندر پرزرق‌وبرق، عبور و مرور نفتی و سهم‌دهی به آمریکا و سهم‌گیری خود. این الگو برای جغرافیای ایران قابل توصیه نیست.

الگوی توسعه ایران؛ ابریشم دریایی و زمینی

الگوی ایران به لحاظ سنتی در دو الگوی **ابریشم دریایی و ابریشم زمینی** دسته‌بندی می‌شود. ابریشم زمینی، همان راه ابریشم ایران و چین است و ابریشم دریایی، راهی است که از خلیج فارس به دریای چین جنوبی ختم می‌شود. برای اولین بار در تاریخ، کانال سوئز نیز توسط متحدان ایران اداره می‌شود. بنابراین، اگر ایران تصمیم بگیرد که در این مسیر اقتصادی و دریایی اثرگذار باشد، می‌تواند امتیازات فراوانی از منطقه کسب کند و نیازی به مذاکره با قدرتی که نه جغرافیا با ایران دارد و نه رابطه دوستانه، مانند دولت آمریکا، وجود ندارد.



مِتود

مرکز توسعه دانش مسئله محوری

    Mtood_ir

۰ ۲ ۱ ۹ ۱ ۰ ۹ ۳ ۴ ۲ ۴

۰ ۹ ۰ ۱ ۲ ۱ ۵ ۳ ۹ ۵ ۷

تهران، میدان ولیعصر، بلوار کشاورز، خیابان شوریده
تقاطع خیابان شوریده و پرویز، ساختمان سبحان، پلاک ۵، واحد ۳